

روانشناسی راهنما؛



رابطه بین استعدادها و احتیاجات بیشتر راهنمایان تازه‌کار، در هنگام اندازه‌گیری و تفسیر و بررسی تفاوت‌های فردی تمایل دارند که همه چیز را ساده‌کنند و اجرای یافته‌های خود را ماشینی نمایند. راهنما باید متوجه باشد که هیچ توافق طبیعی بین شخصیت اشخاص و خواست‌هایی که باید با آنها روبه‌رو شوند وجود ندارد. برای موفقیت در کار پیچیده تحصیلی و اجتماعی و حرفه‌ای ترکیبی از تواناییها، علاقه‌ها و سایر صفات شخصی مورد لزوم است. راهنما، برای آنکه بتواند مجموعه صفات افراد را تشخیص دهد، آنها را با مقتضیات حرفه‌ای، اجتماعی و تحصیلی وفق دهد باید تربیت مخصوصی ببیند و تجربه کافی داشته باشد.

در کارهای راهنمایی دو اشکال عمده وجود دارد: اولاً "معلومات انسان درباره طبیعت خود، در مدت هزاران سال، به‌کندی پیشرفت



پسر ممکن است ، وقتی که به سن ۱۵ سالگی می‌رسد ، پانزده سانتیمتر بلندتر و در حدود ۱۰۵ کیلوگرم سنگینتر از پسر اول باشد . پسر بچه دوم در سن ۱۵ سالگی بالغ می‌شود و وقتی که به سن ۱۷ سالگی می‌رسد با پسر اول برابر می‌شود . با اینکه در این سن هردو از لحاظ قد و وزن با هم برابرند ، ولی اختلافی که در سرعت رشد جسمی آنها پدیدار شده بود با تفاوت‌های دیگری نیز همراه است . مخصوصاً " در میزان علاقه آنها به جنس مخالف . این اختلاف اخیر موجب اختلاف در کیفیت سازش آنها می‌شود .

این تفاوت در سرعت رشد جسمی ممکن است گرفتاری مهمی برای راهنمایی باشد . با این همه این تفاوتها چنان متداول است که شاید مورد توجه قرار بگیرند . مثلاً در یک کلاس ، که از نوجوانان معمولی تشکیل شده است ، یک دختر زودرس (از نظر بلوغ) و یک پسر دیررس را در نظر بگیرید . هر دوی اینها حداقل برای مدتی احتمالاً ناسازگاری اجتماعی دارند . مگر اینکه آنها را عاقلانه راهنمایی کنیم و در این مدت به آنها کمک کنیم . در غیر این صورت ، در مدرسه ، در خانواده و بین گروه مشکلات سازشی نشان خواهند داد .

اگر چه سرعت رشد جسمی در اوایل بلوغ کاملاً مشهود است ولی مدرک روشنی در دست نداریم که ثابت کند که رشد مغزی نیز در اوایل بلوغ سریعتر باشد ، اگر چه بعضیها گفته‌اند که جریان سریع رشد مغزی کمی قبل از شروع سریع رشد جسمی اتفاق می‌افتد . با این همه ، مدارکی وجود دارد که ما را متقاعد می‌کند که افراد از نظر سرعت رشد مغزی نیز با همدیگر اختلاف دارند .

کرده است . ثانیاً ، محیط انسان دائماً " و مخصوصاً " در این پنجاه سال اخیر با سرعت روزافزونی تغییر کرده است . به علاوه ، از آنجا که رابطه فرد با محیط خود خیلی پیچیده است راهنما باید بداند که هیچ صفت بخصوصی مانند استعداد مکانیکی ، استعداد نویسندگی یا استعداد علمی ، موفقیت آدمی را در شغلی تضمین نمی‌کند .

وقتی که راهنما شایستگی فردی را برای شغلی یا یک رشته تحصیلی یا در سایر موارد ارزیابی می‌کند ، باید عوامل متعددی را در فرد و در محیط او مورد نظر قرار دهد .

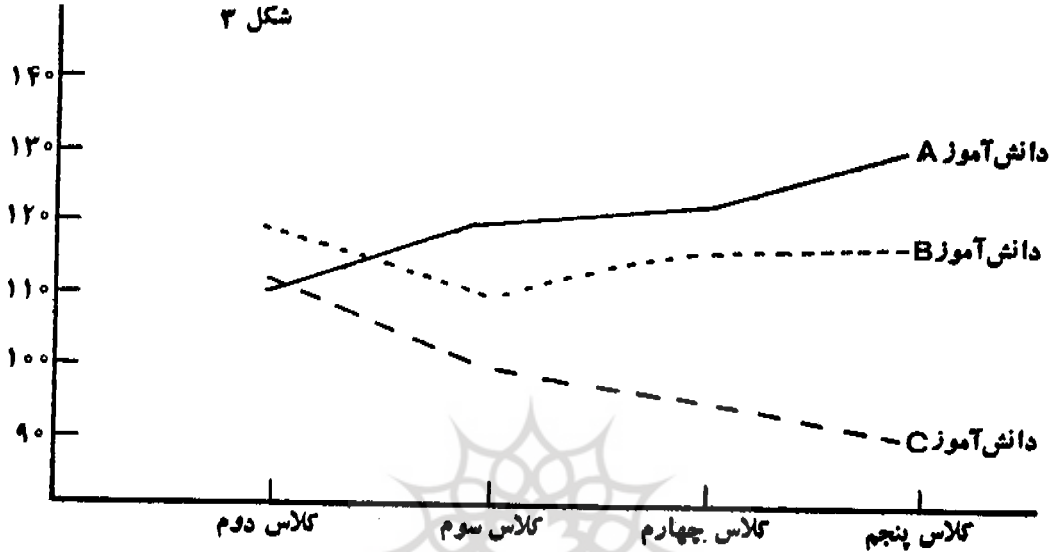
با مرتبط ساختن این دسته‌ها عوامل است که راهنما به قضاوت منطقی قادر می‌شود . یعنی طرح صفاتی را که برای موفقیت در مورد بخصوصی لازم است در نظر می‌گیرد . قضاوت صحیح باید بر اساس روشهای علمی و یافته‌های تجربی قرار بگیرد . مناسفانه تا کنون مطالعات اندکی درباره ارتباط تفاوت‌های فردی با تفاوت‌های صفات باسازش اجتماعی و موفقیت شغلی انجام گرفته است . اهمیت تفاوت افراد در میزان سرعت رشد

تفاوت بین صفات و تفاوت بین افراد لازم نیست که همیشه ثابت بماند ، بلکه گاهی به علل معینی ممکن است تغییر یابند . یکی از آن علل که شاید مهمترین علت نیز باشد ، تفاوت در میزان سرعت رشد است تفاوت افراد در سرعت رشد جسمی به ویژه در اوایل بلوغ ، قابل ملاحظه است مثلاً دو پسر بچه ۶ ساله را که از لحاظ قد و وزن برابر باشند ، در نظر بگیرید . این دو پسر به رشد جسمی خود تقریباً " تا ۱۳ سالگی به یک میزان ادامه می‌دهند . در ۱۳ سالگی پسر بچه اول وارد مرحله بلوغ می‌شود و قد می‌کند همین

میزان قابل ملاحظه‌ای تغییر می‌کرده‌اند. مثلاً" بهره‌وشی دانش‌آموز A از سن سه سالگی به بعد به سمت بالا متمایل شده و بهره‌وشی

تفاوت‌های افراد را در سرعت رشد عقلی در شکل (۳) ملاحظه کنید. این شکل بهره‌وشی سه

شکل ۳



دانش‌آموز B غیر منظم بوده و بهره‌وشی دانش‌آموز C به سمت پایین تمایل پیدا کرده است تفاوت پیشرفت هوش این سه دانش‌آموز در کار مدرسه و سایر فعالیتهای آنها منعکس بوده است. معلم یا راهنما، که از این تفاوتها مطلع باشد، قادر خواهد شد که تعلیم و مشاوره خود را با الگوی پیشرفت هوشی آنها سازش دهد.

آیا ممکن است که رشد عقلی همان طور که در شکل (۳) نشان داده شده به طور محسوس تحت تأثیر تعلیم یا راهنمایی قرار گیرد؟ شاید ولی با محدودیتهایی که به آسانی قابل تعریف نیست، تستهای واقعی استعداد روانی فقراتی دارد که تفکر کمی را اندازه‌گیری می‌کند. اگر معلمی در موضوعاتی که انتخاب می‌کند به تجزیه و ترکیب کلمات توجه کند، شایستگی و توانایی شاگردانش در جواب دادن به فقرات استعداد

کودک را در تست Kuhlman Amberson Test نشان می‌دهد. این تست که برای اندازه‌گیری استعداد های عقلی است در مدارس بسیار متداول است. این سه کودک، در طول زمانی که از کلاس دوم تا پنجم برسند، چهار سطح مختلف موفقیت را در این تست به دست آورده‌اند.

اگر استعداد عقلی هر کدام از این کودکان به میزان ثابتی رشد می‌کرد، لازم بود که بهره‌وشی آنها از لحاظ تئوری یک خط مستقیم باشد. به عبارت دیگر اگر بهره‌وشی کودکان در هر سال در همان نقطه مربوط به خود در روی منحنی طبیعی قرار می‌گرفت، هر کدام می‌بایست بهره‌وشی ثابتی در سالهای متوالی داشته باشند. ولی شکل (۳) ثابت می‌کند که این سه دانش‌آموز در استعداد روانی و بهره‌وشی به

می‌زند. مثلا اگر مشاور فرض کند که نمره‌های حقیقی شاگردان در این دسته‌زیرسنتایل قرار دارد، آن مشاور بر حسب منحنی طبیعی احتمالات در ۶۸ درصد موارد ذیحق است. اگر شخص راهنما بتواند اندازه‌های استعداد عقلی راماهرانه ومطلعانه به کار برد، بهتر می‌تواند تفاوت‌های فردی را در استعداد روانی ارزیابی کند. این طور ارزیابی به شاگردان کمک می‌کند تا توانایی خود را بشناسند و از مهارت‌های خود به بهترین وجهی استفاده کنند.

اصول یادگیری

از آنجا که رشد فکری واجتماعی بستگی به جریان یادگیری دارد، راهنما باید با بعضی از اصول یادگیری آشنا باشد: اصولی که از راه تحقیقات و تجربیات روانشناسی ثابت شده‌اند. اگر چه استعداد یادگیری تا حدود زیادی توسط وراثت تعیین گردیده است و مستقیما "قابلیت ارزیابی نیست ولی پیشرفت یادگیری و آموختن تواناییها، مهارتها و فضایل وابسته به انگیزه‌ها فرصتها و شرایط یادگیری است. یادگیری جریان فعالی است که مرحله بمرحله انجام می‌گیرد. اگر شخصی را بطور انفرادی تربیت کنند و فقط به احتیاجات زیستی او توجه کنند، ولی فرصتی به او ندهند که به طور مثبت عکس‌العملی به محیط خود نشان دهد، امکان دارد که این فرد از سطح فکر دوران کودکی پافراز نگذارد. چنین فردی در تست‌های استعداد روانی لیاقت بسیار کمی نشان خواهد داد. همین طور انتظار می‌رود که اوضاع نامساعد تحصیلی و فرهنگی در پیشرفت

کلامی ممکن است پیشرفت کند. به همین طور اگر معلمی این مهارت را داشته باشد که به شاگردان خود در پیشرفت استعداد استدلال ریاضی کمک کند، این شاگردان ممکن است در استعداد استدلال ریاضی لیاقت بیشتری نشان دهند و وقتی که با تست‌ها آزمایش می‌شوند در فقرات استدلال ریاضی نمره بهتری بگیرند. مشاوران نیز باره‌نمایی کودکان به کارآیی یادگیری می‌توانند به آنها کمک کنند، تا در استعداد‌های روانی پیشرفت کنند.

وقتی که نمره‌ها و داده‌های تستی را برای ارزیابی تفاوت بین افراد، برای ارزیابی تفاوت بین صفات یک فرد و تغییرات رشد او بکار می‌بریم، باید از اشتباهات اندازه‌گیری غافل نمائیم. در هر تستی امکان اشتباه وجود دارد. اگر با تستی صفتی را مکررا "آزمایش کنیم انتظار نداریم که همان نتیجه را بدهد که اگر با تست دیگری اندازه‌گیری می‌کردیم. فقدان اعتبار کامل در تست و پیدایش تفاوت در عمل فرد از یک زمان تا زمان دیگر موجب اشتباهات در اندازه‌گیری می‌شود. اگر ضریب اعتبار یک تست ومقدار اشتباه اندازه‌گیری آن را بدانیم میتوانیم حدود دقیق اندازه‌ها را تخمین بزنیم. برای تعیین میزان اشتباه اندازه‌گیری نتیجه بعضی از تست‌ها را به جای آنکه بر حسب یک پرسسنتایل معین گزارش کنند بر حسب دسته پرسسنتایل می‌نویسند. مثلا در یکی از تست‌های

Cooperative School and College Ability Tests

یک عده داده‌ها بر حسب گروه پرسسنتایل ۹۰ - ۷۲ گزارش شده است. به عبارت دیگر نتیجه عمل به صورت پرسسنتایل ۷۲ و ۹۰ دور

استعداد یادگیری فرد اثر بگذارد .

درباره عوامل مربوط به کارآیی یادگیری تحقیقات وسیعی انجام گرفته است و معلوم شده است که عوامل زیر یادگیری را تسهیل می کند : رفتاری که توام با پاداش یا رضایت خاطر باشد تکرار می شود ، فاصله انداختن بین جلسات یادگیری از خستگی جلوگیری می کند و نتیجه بهتری می دهد ، مرتبط کردن آموخته های جدید با آموخته های قبلی با یک ارتباط منطقی موجب یادگیری موثرتر و بهتر می شود .

در یادگیری اهمیت انگیزه را نباید دست کم گرفت . روی هم رفته ، هرچه انگیزه بیشتر باشد ، یادگیری بهتر انجام می شود . آزمایشهایی که درباره حیوانات به عمل آمده است نشان داده است که حیوانات در تحت شرایط انگیزه های قوی مانند تشنگی و گرسنگی خیلی سریعتر یاد می گیرند بشر هم باید از یادگیری هدفی داشته باشد . این هدف ممکن است مربوط باشد به آرزوی مقبولیت اجتماعی ، هدفهای تحصیلی ، شغلی کمال و فضیلت یا مربوط باشد به احتیاجات اولیه از قبیل غذا و پوشاک و مسکن . کودک اگر در درس خواندن هدفی نداشته باشد و اگر درس خواندن علاقه اش را جلب نکند به احتمال زیاد هیچ پیشرفتی در آن نخواهد کرد . معلم یا مشاور ، با توجه مخصوص به کودک و تشویق او به وسیله انتخاب موضوعات خواندنی که متناسب با علاقه او باشد ، می تواند به او کمک کند و خوشی و رضایت او را در خواندن فراهم آورد . اگر شاگرد دبیرستان احساس کند که رشته تحصیلی او با هدفهای او در زندگی تناسبی ندارد ، تمایل ضعیفی به تحصیل نشان می دهد . مشاور این چنین شاگردی را به دو گونه می تواند راهنمایی کند : یا توجه او را به این موضوع جلب

کند که موفقیت او در تحصیلات دبیرستان سنگ بنای توفیق او در آینده خواهد بود ، یا اینکه او را کمک کند تا رشته تحصیلی خود را تغییر دهد و رشته های انتخاب کند که مستقیماً با هدفهای شغلی و استعدادی او در ارتباط باشد .

سلامت جسمی و عاطفی برای یادگیری موثر ضرورت دارد . سوء تغذیه ، اختلالات جسمی ناخوشیها مخصوصاً آنها که به بدکار کردن غده تیروئید و سایر غدد داخلی مربوطند ، و همچنین ناسازگاریهای عاطفی مانع جریان یادگیری می شوند . وقتی که ضعف یادگیری ناشی از ناخوشی جسمی یا انحرافات شدید عاطفی و عقلی باشد (نه از تعلیم و تجربه) ، وظیفه راهنما این است که توجه روانشناس یا پزشکی را جلب کند ، ولی اگر ضعف یادگیری ناشی از شرایط و موقعیتهای یادگیری باشد ، راهنما میتواند خود او را یاری دهد .

ناکامی و تشویش دومنابع ناسازگاری است که مزاحم یادگیری است . اگر شخصی احساس کند که همیشه در کوششهای خود برای رسیدن به هدف ناکام می ماند ، یا اگر فردی به حد افراط درباره رفاه حال و آینده خود ناراحت باشد ، به سختی می تواند حواس خود را روی موضوعاتی که مستقیماً با مشکلات شخصی او مربوط نیستند متمرکز کند .

پس باید این نتیجه را گرفت که کاربرد اصول روانشناسی یادگیری در کار راهنمایی نه بدان منظور است که انسان را به صورت ماشینی یادگیری فرض کرده ایم ، بلکه انسان موجود پیچیده ای است که یادگیری و پیشرفت او وابسته به انگیزه ها و عواطف اوست . به عبارت دیگر یادگیری وابسته به اغلب صفاتی است که منش اختصاصی هر شخص را تشکیل می دهد .

و یا دست به دامان دیگران میشوند تا برای سؤال خود پاسخی بیاید. افراد مورد اعتماد و آگساز که در دسترس او نیستند او بناچار روبه سوی افراد کذائی خواهد کرد. و تجربه نشان داد آنها هم با اسم مذهب ذهن فرزندان را از لاطائلاتی پر خواهند کرد، هم چنان که کردند و ما اثرش را دیده ایم. استدلال و منطق شما هر چند ضعیف باشد چون از روی خیرخواهی و انصاف است اثر خود را خواهد کرد. وانگهی در آنجا که گرفتار تنگنای قافیه شده‌اید میتوانید از دیگران مدد بگیرید و بالاخره به پرسشهای آن از روی منطق و استدلال پاسخ گوئید.

۵- توجه به اخلاق: پرورش منش و اخلاق و حتی کار آموزی تدریجی آن در خانه و مدرسه امری است که آدمی ناگزیر به رعایت آن است. اینکه شما خود الگو و مدل اخلاقی فرزندان خود هستید جای بحث و سخنی نیست. ولی مهم این است که از طریق ذکر داستانها، ارائه نمونه‌ها مشارکت دادن فرزندان در مجالس درس و بحث اخلاق، القات مکرر آنان را به ضوابط اخلاقی آشنا کنید.

پدران و مادران حتماً تصویری از مدل‌های اخلاقی قابل عرضه در ذهن دارند، بویژه که از نظر اسلامی مدلها معین و مشخصند، حجت‌ها بر مردم تمام است و می‌توان با شناخت مدلها به شناساندن آنها اقدام کرد.

تربیت اخلاقی باید بصورت عملی و از طریق دیدن جریانات و لمس و نقد وقایع صورت گیرد ضمن اینکه تئوری‌های لازم در هر مورد ارائه میشود. گروهی از فرزندان جامعه لغزیدند بدان خاطر که از تربیت اخلاقی شایسته‌ای برخوردار نبوده و یا در خانواده و محیط به نمونه‌های بارز و سازنده آن برخورد کرده بودند.

از همان آغاز با مایه‌های اصیل پرکنیم و حتی چیزی نیاموزیم که بعدها نیازی به پاک کردن داشته باشد. و هم لازم است فرزندان ما از نقطه‌ای آغاز کنند و به نقطه معینی برسند. ۴- تحلیل مذهبی: ذهن فرزندان ما پراز سئوالات است و آنان در دنیایی از تشویشها و نگرانی‌ها غوطه‌ورند. طرد و لعن فرزندان بخاطر سئوالات شان کار ساز نیست و مخالفت‌ها و ناسازگویی‌ها نمی‌تواند گرهی از مشکل‌شان



بگشاید. بنظر ما باید درکنار فرزندان زانو زد و با تحلیل‌ها و تفسیرها حقایق را برایشان آشکار کرد.

شما به سؤال‌فرزندان باروی باز پاسخ نمی‌گوئید و یا چون از پرسش‌شان بوی کفرو الحاد استشمام میکنید آنان را از خود طرد میکنید. آیا هیچ فکر کرده‌اید که او در قبال چنین وضعی چه خواهد کرد؟ یا ترک اعتقاد و مذهب میگوید